

چلبی: خدا میدهد و خدا میگیرد

سام قندچی

احمد چلبی به جاسوسی برای جمهوری اسلامی ایران متهم شده است. وی قبل از اتهامات کنونی دولت بوش به وی، یک دست نشانده آمریکا بود. صرف نظر از اتهامات کنونی، یک چیز واضح است، که آقای چلبی "فراموش" کرده بودند چگونه در عراق به قدرت رسیدند، و سعی داشتند که مسقیماً وارد معامله برای ایجاد یک دولت شیعی در عراق شوند.

تمام تشکیلات چلبی یک فریبکاری بود، و پایه ای در جنبش مردمی نداشته و از پشتیبانی مردمی برخوردار نبود، و فقط کارشان دلالتی بین ملایان، آمریکا، و دیگران بود. وی از طریق سالها لابی کردن آمریکا، برای حمله به عراق، به قدرت رسید.

چلبی به رضا پهلوی عراق موسوم است، چرا که رضا پهلوی در ایران، پدیده مشابهی است، جایی که حرف های وی درباره پشتیبانی مردمی و تشکیلات سلطنت طلبان، همه فریبکاری هستند، تا که آمریکا را برای حمله به ایران قانع کند.

افسانه سلطنت دموکراتیک برای ایران را هیچیک از فعالین جنبش دموکراسی خواهی ایران باور ندارند، یعنی کسانی که زندگی خود را طی برای آزادی در ایران به خطر انداخته اند. آن ها واقعتاً **جنایات مأمورین** رضا پهلوی را در تالارهای بحث سیاسی، کنفرانس ها، و تظاهرات ها خوب می بینند، و از فعالیت روابط عمومی رضا پهلوی در تلویزیون برای آینده ایران تصمیم نمیگیرند.

این درست است که رضا پهلوی رسماً دست اربابانش را گاز نگرفته است، تا که نظیر چلبی سقوط کند، اما همانگونه که مأمورینش به اطراف رفته و فعالین جنبش دموکراسی خواهی را مورد حمله قرار میدهند، وقتی وی زیبا و تمیز در مصاحبه های تلویزیونی شرکت میکند، مأمورینش سالهاست، برای سقوط شاه، به آریکا حمله میکنند، گرچه لفظاً به **جیمی کارتر** ناسزا گوئی میکنند.

اساساً سلطنت طلبان برای **سقوط شاه** در ایران، آمریکا را مقصر میدانند، و نه استبداد شاه و جنایات ساواک. البته رضا پهلوی نظیر چلبی، در تلویزیون بیار تمیز و زیبا، مشغول کار روابط عمومی است، و در مقصر خوانی آمریکا و انگلیس شرکت نمیکند، و مأمورینش این کارها را انجام میدهند.

بهترین کاری که رضا پهلوی میتواند بکند، اعلام پایان سلطنت ایران و همه بازی های توجیه سلطنت شکست خورده است، وقتی که **رضا پهلوی و مجاهدین بدهی آمریکا در ایران** هستند، و این دو نیرو انحراف اصلی 25 سال گذشته بوده اند، که جنبش دموکراسی خواهی به موفقیت نرسد، چرا که هر وقت مردم شانس آنرا داشتند که به جمهوری اسلامی پایان دهند، ترس از امکان بقدرت رسیدن این دو نیرو در ایران، مردم را از برداشتن گام آخر برای پایان دادن به جمهوری اسلامی بر حذر داشت.

جالب است که داستان عروسک های دست نشانده در خاورمیانه، با محمد رضا شاه یا صدام شروع نشده، و با آنها نیز پایان نخواهد یافت. پدر بزرگ رضا پهلوی ایران، که عنوانش رضا شاه بود، مورد غضب ولی نعمتان انگلیسی خود واقع شد، وقتی میخواست سر خود با آلمانها وارد معامله شود، و متفقین او را در شهریور 1320 از قدرت بزیر کشیدند، و آن تغییر به دوازده سال نیمه دموکراسی در ایران سالهای 1320-1332 انجامید.

آنچه ذکر شد خصلت عروسک‌های دست‌نشانده است، چرا که دست‌نشانده بودن به معنی آن است که اینان اصولی ندارند، و چون از پشتیبانی مردمی هم برخوردار نیستند، آنها در آخر به انجام معامله‌های گوناگون دست می‌زنند، تا که سقوط نکنند. این است که همه صعود و سقوط‌های عروسک‌های آمریکا طی سال‌های **جنگ سرد**، در خاورمیانه و نقاط دیگر، مشاهده کرده ایم.

داستان چلبی چندان فرقی ندارد، هر چند بقول یک دوست مرحوم من، وی ستاره‌ای بود که قبل از درخشیدن خاموش شد. وی قبل از موعد 30 ژوئن 2004 که آمریکا فرار است قدرت را به شورای حکومتی عراق تفویض کند، از قدرت حذف شد.

بنظر من میرسد که این کار توافقی با عربستان سعودی بوده است، که عربستان قیمت نفت را برای آمریکا پائین آورد. عربستان از دولت شیعه در عراق خشنود نیست و آمریکا با استخدام ژنرال‌های سنی صدام و اخراج چلبی، راه را برای یک دولت طرفدار عربستان، و حضور بیشتر سنی‌ها در قدرت هموار میکند. و بازگشت به روزهای کنترل دوگانه **dual containment** ایران و عراق، ادامه این پروسه خواهد بود، با کمک دوستان مورد اعتماد یعنی عربستان، و نه نیروهای غیر قابل پیش‌بینی، نظیر جمهوری اسلامی ایران و متحدین عراقی آن.

چه کاری بایست نیروهای مستقل خاورمیانه انجام دهند؟ ما بایستی از اصول دموکراسی و حقوق بشر دفاع کنیم و بر روی آن اصول توجه خود را متمرکز کنیم، هر وقت هر تصمیمی می‌گیریم، تا که از معاملات پشت درهای بسته اجتناب کنیم و، در تمام مذاکرات خود کاملاً باز باشیم.

مثلاً، جند روز پیش، من در جایی خواندم که یکی از رهبران مستقل اندیش و مورد احترام شورای عراق گفته بود که وی از آمریکا خواست‌شکنجه شدید نکنند، و او همچنین از پشتیبانی خود از اقتصاد دولتی در عراق آینده صحبت کرده است.

گفته اول ایشان بر ضد اصول حقوق بشر است، چرا که بایستی شکنجه کلاً محکوم شود، بدون اما و ولی، و نه خواست کاهش آن. اینگونه بود که کشورهای سوسیالیستی و بسیاری جنبش‌های مردمی با توجیه این اعمال، به استبداد لغزیدند. چرا وی سعی میکند که دولت بوش را راضی کند؟ نیروهای آمریکا کار غلطی کردند که شکنجه کردند. به همین‌گونه جنایت کردن زدن و جنایات دیگر تروریست‌ها را نیروهای مستقل دموکرات بایستی محکوم کنند. شخص بایستی با **جهانبینی** ای که بر مبنای اصول حقوق بشر باشد به این وضع بنگرد، و نه راضی کردن افراطی‌های آمریکا یا اسلامگرایان خاورمیانه.

نظر دوم ایشان بر ضد دموکراسی مالکیت‌دار و طرفدار از اقتصاد دولتی، نشان دهنده نداشتن دانش از تاریخ معاصر است، و در جا زدن در برنامه‌های سوسیالیستی گذشته. من این موضوع را در **ثروت و عدالت در ایران فردا** مفصلاً توضیح داده‌ام. به عبارت دیگر وی بایستی تغییرات جهان را مطالعه کند، بجای آنکه طرح‌های کهنه شده را برای آینده عراق ارائه کند، طرح‌هایی که می‌توانند باعث شوند عراق به ویتنام یا کره شمالی دیگری تبدیل شود.

اجازه دهید به موضوع درس‌های سقوط چلبی باز گردم. این واقعه فقط برای نیروهای خاورمیانه حاوی درس نیست که در بالا آمد، بلکه برای آمریکا هم **درس‌های** مهمی دارد، که سعی نکند خاورمیانه را با عروسک‌های دست‌نشانده بگرداند. از شاه ایران تا صدام حسین، این‌ها همه داستان‌های شکست هستند. جدا از آنکه خاندان سلطنتی سعودی امروز، شاه را برای نقشش در خلیج فارس بستاید، ما همه میدانیم که رژیم شاه چه فاجعه شکستی بود.

اگر عربستان می‌تواند که مسائل خاورمیانه را حل کند، چرا مسئله القاعده و طالبان، که خود خلق کرده‌اند، حل نمی‌کند، و چرا به مجازات کردن زدن در عربستان پایان نمیدهد. این درست است که عربستان سعودی متحد آمریکا است. دیگر آنکه نیروهای مستقل *سکولار* خاورمیانه دوستان آمریکا هستند، هر چند نیروهای کهنه شده نظیر **سلطنت سعودی**، سعی میکنند نیروهای جمهوری خواه سکولار را، دشمن آمریکا بنمایانند.

عروسکهای دست نشانده، نظیر چلیپ عمل میکنند، چرا که پایگاه مردمی ندارند، و همین هم دلیل آن بود که عربستان به راضی کردن تروریستهای القاعده، و طالبان قبل از آن ها، مشغول بود، زیرا سلطنت عربستان پایگاه مردمی ندارد، که بر مبنای اصول دموکراتیک ساخته شده باشد، تا که بتواند بر روی پشتیبانی مردم تکیه کند.

آینده خاورمیانه سکولاریسم و دموکراسی است و روشن بودن درباه اینکه سکولاریسم چیست؟ بسیار مهم است، همانگونه که روشن بودن درباره اینکه دموکراسی چیست، اهمیت دارد، و قلمکار معاملات با دست نشانندگان آمریکا، قبل از آنکه جوهرش خشک شود، از هم خواهد پاشید.

ما نمیخواهیم دوباره به قانون جدیدی برسیم که از قبلی بدتر باشد، آنگونه که در 1357 اتفاق افتاد، یک انقلاب واپس گرایی که فعالین خود را نیز بلعد. جمهوری اسلامی ایران بایستی برود، و جمهوری سکولار بایستی در ایران، توسط مردم ایران شکل گیرد. نیروهائی که این توسعه در ایران را پشتیبانی کنند، نه تنها به مردم ایران کمک میکنند، بلکه به خود نیز کمک میکنند، یعنی با پایان دادن به رژیم های واپس گرای اسلامگرا در خاورمیانه که دلیل اصلی تروریسم هستند.

بدترین کاری که حاکمان جدید عراق میتوانند بکنند شروع مجدد جنگ با ایران است، که لطمات بیشماری را برای دو کشور طی 8 سال بیار آورد. نه راضی کردن ملایان ایران T و نه حمله به ایران T کمکی به ایران و عراق نخواهد کرد، همانگونه که زمان حمله صدام به ایران مشاهده کردیم.

پشتیبانی از جنبش دموکراسی خواهی ایران T برای پایان دادن به جمهوری اسلامی، همانگونه که در آقای کری، جمهوری اسلامی ایران باید برود نوشتیم، و شکل دادن ج[هوری سکولار در ایران، بلوک های ساختمان ایران آینده نگر هستند، تا به تروریسم و اسلامگرایی در خاورمیانه پایان دهد.

به امید جمهوری آینده نگر، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

4 خرداد 1383

May 24, 2004

متن بزبان انگلیسی

<http://www.ghandchi.com/335-ChalabiEng.htm>

مقالات دیگر مربوط به موضوع

<http://www.ghandchi.com/index-Page17.html>

مقالات تئوریک

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>